

# جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۲

۲ مه ۲۰۰۳

www.jawanan.org

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: مصطفی صابر

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم

جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان

است.

منصور حکمت



## در ستایش اول مه، و مارکس!

مدتها قبل از اول مه شعار "کارگران جهان متحد شوید" را در مانیفست کمونیستی اش اعلام کرد. به یک معنی جنبش اول مه مارکس را به وجود آورد و مارکس اول مه را. تمام قدرت اندیشه مارکس، تمام تاثیرات شگرفی که در دنیای بعد از خود گذارد و میگذارد در تحلیل نهایی چیزی جز قدرت و تاثیرات جنبش اعتراض کارگری و اول مه اش نیست. برعکس جنبش اول مه نیز فقط وقتی به اوج قدرت خود میرسد که مارکس را راهنمای خود قرار دهد. کافی است تصورش را بکنید آنچه که مارکس در مانیفست گفت اکنون در همه جای جهان پرچم اول مه و مبارزه کارگری بود. برای مثال فقط تصور کنید این جمله تکان دهنده مانیفست که "کارگران میهن ندارند" اکنون به عمل در می آید. تصورش را بکنید کارگران آمریکا، ژاپن، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین، آمریکای لاتین، خاورمیانه، فلسطین، اسرائیل، ایران، عراق و غیره واقعا متحد میشدند. حول پرچم جهانی و انترناسیونالیستی، حول پرچم آزادی و برابری، حول پرچم خودشان. آیا آنوقت بنظر شما جنایتکارانی مثل بوش و صدام، بلر و بن لادن، خامنه ای و شارون و غیره حتی یک آن میتوانستند جهنم فعلی را سرپا نگهدارند؟

اول مه هنوز مانده تا تاثیرات عظیم و تاریخی اش را به سرانجام برساند. آنچه که اول ماه تاکنون در راه سعادت بشر انجام داده در مقایسه با آنچه که تحت پرچم مارکس میتواند انجام دهد، تقریبا حکم هیچ است.

ساعت کار متولد شد، اما قبل از آن پدران و مادران اول مه، کارگران، دهه ها برای کاهش روز کارهای ۱۷ ساعته جنگیده بودند. باری، اگر کاهش ساعت کار تنها دستاورد اول مه برای بشریت باشد، خدمت او به انسان بیش از خدمت تمام سرداران، سلاطین، مصلحین، پیامبران و همه قهرمانانی است که در کتابهای درسی تاریخ به شما معرفی میکنند. اما تاثیرات اول مه در زندگی بشر بسیار فراتر است. حق رای، حق اعتصاب، بیمه بیکاری، حق تشکل، حق بیان، برابری زن و مرد، حقوق دوره بارداری، مهد کودک و حقوق کودک، حق تحصیل عمومی و بسیاری حقوق اساسی دیگر که بدون آنها بشر به حیوان استیل سرمایه داری تبدیل میشود، به اول مه گره خورده است. بدون جنبش اول مه، جنبش اعتراض کارگران علیه سرمایه داری، سخنی از تمدن معاصر نمی بود.

اما نمی شود از اول ماه مه سخن گفت و از مارکس چیزی نگفت. جنبشی که اول مه را بوجود آورد مدتها قبل از کارل مارکس وجود داشت. اما مارکس بدرستی وجان آگاه این جنبش است. این اوست که



اگر اول مه نبود، شاید شما هنوز ۱۰ یا ۱۲ ساعت و یا ۱۶ ساعت کار میکردید. اول مه با شعار ۸

## در ایران: وحشت رژیم اسلامی

اول ماه مه امسال در ایران جلوه ای از وحشت رژیم اسلامی و همچنین حرکات مستقل کارگران و عروج محسوس تر کمونیسم کارگری بود. خسرو در نامه ای نوشته است:

"جمهوری اسلامی حتی مانع برگزاری مراسم دولتی روز کارگر که توسط خانه کارگر فراخوان داده شده بود، شد. ولی باین وجود نیروهای امنیتی و اطلاعاتی خیابانها اطراف میدان انقلاب را شنیدند زیر کنترل خود داشتند و تعدادی کمی از کارگران که خبر لغو تجمع را شنیدند بویوند را برگشت دادند. خانه کارگر طبق خبر موثق موفق نشده بود حتی ۲۰۰ نفر را جهت حضور در قبر خمینی جمع کند. وضعیت جمهوری اسلامی چنان وخیم است که حتی از تجمع خانه کارگر خود نیز ابا دارد. ترس جمهوری اسلامی از این است که این تجمعات به اعتراضی دامنه دار و پیوسته علیه خود رژیم تبدیل شود..."

حزب کمونیست کارگری در اولین اطلاعیه هایی که در انتشار داده است از گرامیادداشت اول مه در مراسم های مستقل کارگران در تهران، کرمانشاه، سنندج و چندین شهر دیگر خبر داده است. کارگران در سخنرانی های خود جمهوری اسلامی و سرمایه داری را محکوم کردند علیه حضور آمریکا در عراق سخن گفتند. کارگران در کردستان طی قطعنامه ای که بطور همزمان در بسیاری شهر پخش شد بر خواستهای کارگری پای شردند و از حرکت کارگران بهشهر پشتیبانی کردند. مشروح اخبار اول مه در ایران را میتوانید از سایت روزنه دریافت کنید.



### سمیر عادل

با کادرهای حزب درمورد اهداف و سیاست های حزب و آینده سیاسی عراق پرداختند.

در آخرین لحظات اتمام صفحه بندی نشریه همچنین خبر رسید که حزب کمونیست کارگری عراق اجتماع اول ماه مه در کرکوک را برپا کرد که حدود ۳ هزار نفر در آن شرکت کردند و رهبران حزب و همچنین نمایندگان کارگران نفت شمال عراق در آن صحبت کرده اند. در شهرهای ناصریه و سلیمانیه نیز اجتماعاتی برپا گردید.



نیروهای آمریکائی، دو هزار نفر گرد آمدند و در حالیکه پرچمهای سرخ در سراسر میدان برافراشته شده بود، بعداز دهها سال اول مه را گرامی داشتند و به سخنرانی سمیر عادل عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق گوش فرادادند. سمیر عادل در سخنرانی خود، که با استقبال گرم حاضرین روبرو شد، به اوضاع سیاسی عراق، نقش طبقه کارگر و حزب کمونیست کارگری عراق در تحولات سیاسی جاری پرداخت و حاضرین را به پیوستن به این حزب، بعنوان سخنگوی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه عراق دعوت کرد. شعارهای گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر، برابری زن و مرد و خروج نیروهای آمریکائی از جمله شعارهای پلاکاردهای امروز بود. هزاران نسخه از نشریه مرکزی حزب به نام الشیوعی العمالی (کمونیسم کارگری)، و مقالاتی از ریویوار احمد لیدر حزب درمورد تحولات سیاسی عراق و طرحها و برنامه های این حزب در این تجمع و در سطح بغداد توزیع شد. به دنبال این مراسم، حاضرین به بحث و گفتگو

## اول مه در عراق و سمیر عادل ها!

برخی دوستان ما در ایران (به نامه های این شماره رجوع کنید) وقتی خبر آغاز فعالیت علنی حزب کمونیست کارگری عراق در بخش های جنوبی این کشور را شنیدند نمی میلی دادند با عنوان: "مرسی عراق!" البته منظورشان تقدیر از کمونیستهای کارگری عراق بود. این دوستان و جوانان بسیاری در ایران که این روزها عراق را صحنه تاخت و تاز اوپاش اسلامی، ناسیونالیستی، آمریکایی و نظم نوینی دیده اند، بی شک از حضور آزادی و برابری و مدنیت، حضور کمونیسم کارگری در عراق خوشحال میشوند. به اطلاع برسانیم که حزب کمونیست کارگری عراق اکنون دو دفتر علنی در بغداد، یک دفتر در ناصریه و دفاتر و نفوذ توده ای وسیعی در کرکوک دارد و رفقای ما شب و روز در شرایط وحشتناک عراق مشغول گسترش حزب در همه جا هستند. مراسم اول مه در بغداد نوید بخش همین حضور کارگر، انسانیت و کمونیسم در صحنه عراق است. به بخشی از اطلاعیه حزب کمونیست کارگری عراق توجه کنید:

امروز (۳۰ آوریل) بین ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح در میدان فرانس در مرکز بغداد و در مقابل مقر مرکزی

\* اعتصاب معلمان (صفحه ۴) \* نامه سرگشاده ابراهیم نبوی (صفحه ۲)

\* از خدا تا یعقوب لیث (صفحه ۴) \* این ژینگولو کیست؟ (صفحه ۲)

\* نامه های شما (صفحه ۶) \* انقلاب ایدئولوژیک دیگر؟ (صفحه ۵)

\* به اتاق ما خوش آمدید! (صفحه ۳) \* اول مه ای پرشور (صفحه ۳)

\* این از حکومت، اینهم خانواده (صفحه ۳) \* کشف حجاب (صفحه ۶)

# آزادی، برابری حکومت کارگری!



مصطفی صابر

چیز کم و بیش مشترک اند: ژنگولو مقلد سطحی غرب است، "بحران هویت" دارد و چیزی بارش نیست.

ژنگولو پدیده جدیدی در جامعه و سیاست ایران نیست. لااقل تا آنجا که عمر من قد میدهد در زمان شاه هم این سوسول ها و بچه قرتی ها بودند. (دوره ای که مینی ژوپ مد شده بود، اواسط دهه ۷۰ میلادی، دختران شهرهایی مثل تهران و اهواز و آبادان و غیره گوی سبقت از همه روده بودند. و یا دوستی تعریف میکرد که قطور در شیراز مقامات امنیتی شهر سر جوانهای شهر را میتراشیدند و اجازه نمی دادند "هیپی" بشوند!) شخصا شاهد بوده ام که قطور از دست هواداران آنوقت مجاهد و فدایی به خاطر سوسول بودنشان تذکر (و گاه سیلی) دریافت میکردند. اما باید اعتراف کرد که آنوقت تعدادشان به اندازه امروز نبود. تا این اندازه بر جامعه ایران و فضای سیاسی آن سایه نیانداخته بودند. حالا از جنوب شهر تا بالای شهر و تقریباً در همه مملکت پر سوسول شده است. حال ژنگولوها هرچند هم که "غیر سیاسی" باشند، بطور عینی یک پای سیاست شده اند. آنوقت که دوره برو برو دوم خرداد بود، این سوسول ها تقریباً از دم طرفدار خاتمی قلمداد میشدند. در سی ان ان، در نشریات دوم خردادی، در نشریات جناح راست و کیهان شریعتمدلی همه جا میخواستند چنین وانمود کنند که لبخند های خاتمی اصلاً رو به همین ژنگولو ها و نماینده خواستها و تمایلات آنهاست. وقتی دوم خرداد شکست خورد و همه به چشم خودشان دیدند که نه این سوسول ها دنبال خاتمی نبودند، آنوقت به حزب کمونیست کارگری و کسانی که در کنفرانس برلین ضربه بسیار خرد کننده ای بر دوم خرداد زدند و رقصیدند و "وقاقت" به خرج دادند، منتسب شان کردند. (مثلاً کیهان، وقتی که منصور حکمت درگذشت، با خوشحالی نوشت که "رقاصه" ها "بی پدر" شدند!) ولی برخی هم فکر کردند که این چه حماقتی است، نیرویی به این عظمت را صاف و ساده به این حزب منتسب میکنند؟! لذا خیلی ها که حقیقتاً قربانی با آنها نارند و خودشان عمری بچه حاجی و سپاهی و میرزا بنویس های "حکومت دمکراتیک" اسلام بوده اند، میکوشند دل آنها را بدست بیاورند. تقلیدهای آخوندی و تقلبی اینها از سکنات و رفتار سوسولها مثل رنگ های ناهمگون نقاش ناشی زنده است و چشم و روح را می آزارد. (مثلاً نیما راشدان یا بهنود). برخی سعی میکنند نفرت خود را از ژنگولوها پنهان کنند و صراحتاً با آنها در نیفتند. اما موقعی که میخواهند بلترین دشنام ها را به معارضین خود بدهند، آنها را سوسول خطاب میکنند و پته نفرت خود از سوسولها را به آب میدهند. (مثلاً مجاهدین و..)

ژنگولو واژه مهمی در ادبیات و تفکر سیاسی ایرانیان است. البته کمتر بعنوان یک واژه رسمی بلکه معمولاً به منظور تحقیر و دشنام و آنها در حاشیه سیاست استفاده میشود. به این واژه باید پرداخت نه فقط از آنرو که ما کمونیستهای کارگری گاه، چه از طرف جمهوری اسلامی و چه اپوزیسیون، به این لقب مفتخر میشویم. چیزهای مهم تری در پس این واژه هست.

ژنگولو کیست؟ مترادفهایش شاید سرخ بیشتری بدست دهد: بچه ژنگول، "سوسول"، "قرتی"، و نظایر اینها. فکر میکنم از این لغات، کم و بیش چنین تعابیری در ذهن کسی که در جامعه ایران زندگی کرده است بیاید: ژنگولو معمولاً لباس های مد روز (غربی) می پوشد. "خاکی" و "خلقی" نیست. به موزیک "مبتدل" غربی گوش میدهد. "شور امیر اف" و چهچه بنان و این چیزها را خوش ندارد. به جای گوش دادن به آغاسی و سوسن و یا حتی گوگوش و ابی، بیشتر تمایل به رپ و یا پینک فلوید و خلاصه موزیک مد روز اروپا و آمریکا دارد. بابا کرم و رقص شاطری و اینها را من باب مستخره شاید بلد باشد، اما رقص های غربی را می پسندد. ژنگولو ادا و اطوار های "سبک" دارد. اگر مرد است غیرت و تعصب ناموسی اش یا صفر است و یا بهر حال در حد مطلوب نیست. دست با چلفتی است و خیلی اهل دعوا و بز و بز نیست. یک کمی زیادی برای جامعه خشن ایران سوسول و لطیف است. اگر دختر است که اصلاً "فاسد" و "خراب" و بلتر است. در بهترین حالت زن عفیف و سر براهی برای زندگی آیش در نمی آید. خلاصه یا همش جلوی آینه است و به قر و فر خود می پردازد و یا مثل هیپی ها و بچه قرتی های فرنگ موهایش را بلند میکند. ژنگولو "سیاسی" نیست، یا دستکم در غالب مواقع نیست. بیشتر فکر خوش گذراندن و پارتنی و "دختر بازی" و "پسرایزی" و از این قبیل است. گوشش چندان به "فرهنگ ملی" و "اسلام" و اینهمه تاریخ درخشان تمدن ایران باستان و کوروش و داریوش و یعقوب لیث هم بدعکار نیست. این ژنگولو آفت همه این "ارزش" های عمیق و باستانی است. بعضی ها قضاوت اخلاقی تر از ژنگولو دارند، برخی سیاسی تر، ولی همه در یک

## این ژنگولو کیست؟

را بهم میزند. همینطور باید تاکید کرد که شاه بازی ها، والا حضرت والا حضرت کردن ها، دست بوسیدن ها و تعظیم کردنها، روابط چوپان و رمه ای و عمق ارتجاع سلطنت و ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی نیز از چشم تیزبین ژنگولو پنهان نمی ماند. سوسول ها نه زمان شاهش و نه الان هیچ دلخوشی از سلطنت و استبداد و سرکوب رژیم سابق ندارند. "غریزگی" سوسول با پروغوب بودن شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران سایه خانا در زمین، قربانی نداشت و ندارد.

### اما چرا ژنگولو؟

بگذارید چند نکته را جلی تر بگویم. با پیش کشیدن ژنگولو و داستان آن، بهیچ وجه قصد نیست که واژه ژنگولو را از حاشیه به متن بکشانیم. ابتدا قصد تقدیس واژه ژنگولو و همزادهاش و تحییب دسته بنی هایی از این نوع نیست. برعکس قصد اینست که اجازه ندیم چنین عقب ماندگی در فضای سیاسی ایران که در واژه ژنگولو منعکس است وجود داشته باشد.

ژنگولو یک پدیده منحصر به فرد ایرانی - شرقی است. اگر در باره پدیده ژنگولو برای یک غربی توضیح دهید با تعجب به شما نگاه خواهد کرد. ژنگولو واژه جالبی نیست. نه فقط به خاطر اینکه دقت علمی و سیاسی ندارد و جوهر واقعیت بیرونی را که قرار است توضیح دهد، نمایندگی نمی کند. بلکه مهمتر، دارد حقایق تلخی را در مورد گویندگان این واژه در جامعه ایران بیان میدارد. اگر ژنگولو بعنوان یک مفهوم هنوز جایی دارد، بخاطر بقاء افشار و نیروها و

از بحث دور شدم، خواستم بگویم که اولین و خونی ترین دشمن سوسول ها و ژنگولوها جمهوری اسلامی است. اما فقط جمهوری اسلامی نیست که از ژنگولوها بیزار و متنفر است. خیلی از کسانی که خود را "سیاسی" میدانند، و مخالف جمهوری اسلامی هم هستند، خودشان را از سوسولها بیگانه می یابند. گاه همین "سیاسیون" (چه مذهبی، چه چپ و مثلاً "مارکسیست") با همان نفرت و انزجاری از لفظ سوسول و ژنگولو و قرتی استفاده میکنند که رفسنجانی. در بین کل طیفی که منصور حکمت آنرا "جنبش ملی اسلامی" نام میگنارد، از سنت توده ای فدایی تا سنت مجاهد و جبهه ملی و مصلح و امثال شریعتی و بازگان و غیره، ژنگولو و سوسول فحش است. لفظ و لقبی است برای تحقیر دشمن و مخاطب. برای خیلی از چپ های همین جنبش ملی اسلامی، لفظ سوسول حتی توجیه "مارکسیستی" هم دارد! و مثلاً معادل "بچه بورژوا"، "خرده بورژوا"، "غرق در فرهنگ امپریالیستی"، "غریزه"، "مقهور فرهنگ مبتدل و منحط هالیوودی" و هزار چیز دیگر از این قبیل است. بیچاره سوسول ها واقعا دوستی در بین این "سیاسیون" (یعنی اپوزیسیون سنتی) ایران ندارند. راستش را بخواهید سوسول ها با همه "غیر سیاسی" بودنشان شم سیاسی بسیار قوی دارند و این ناهخوانی خود و این "سیاسیون" را درک میکنند. چنین سیاسیونی، بدست، حاشان

از بحث دور شدم، خواستم بگویم که اولین و خونی ترین دشمن سوسول ها و ژنگولوها جمهوری اسلامی است. اما فقط جمهوری اسلامی نیست که از ژنگولوها بیزار و متنفر است. خیلی از کسانی که خود را "سیاسی" میدانند، و مخالف جمهوری اسلامی هم هستند، خودشان را از سوسولها بیگانه می یابند. گاه همین "سیاسیون" (چه مذهبی، چه چپ و مثلاً "مارکسیست") با همان نفرت و انزجاری از لفظ سوسول و ژنگولو و قرتی استفاده میکنند که رفسنجانی. در بین کل طیفی که منصور حکمت آنرا "جنبش ملی اسلامی" نام میگنارد، از سنت توده ای فدایی تا سنت مجاهد و جبهه ملی و مصلح و امثال شریعتی و بازگان و غیره، ژنگولو و سوسول فحش است. لفظ و لقبی است برای تحقیر دشمن و مخاطب. برای خیلی از چپ های همین جنبش ملی اسلامی، لفظ سوسول حتی توجیه "مارکسیستی" هم دارد! و مثلاً معادل "بچه بورژوا"، "خرده بورژوا"، "غرق در فرهنگ امپریالیستی"، "غریزه"، "مقهور فرهنگ مبتدل و منحط هالیوودی" و هزار چیز دیگر از این قبیل است. بیچاره سوسول ها واقعا دوستی در بین این "سیاسیون" (یعنی اپوزیسیون سنتی) ایران ندارند. راستش را بخواهید سوسول ها با همه "غیر سیاسی" بودنشان شم سیاسی بسیار قوی دارند و این ناهخوانی خود و این "سیاسیون" را درک میکنند. چنین سیاسیونی، بدست، حاشان

### چه کسی ژنگولو را دوست ندارد؟

لیست منقلبن و معترضین البته بالا بلند است. اول از همه خطبه های رفسنجانی در نظرم می آید. با چه نفرتی از "یک مشت بچه سوسول" که البته ولوله در

اخلاقیات اجتماعی و سیاسی جوامع شرقی و ماقبل ملرن است. ژنگولو بعنوان طعنه و فحش و تحقیر، در واقع بیان اعتراض و خشم و تقد همین نیروهای پوسیده ولی زوال نیافته، از دنیای جدید است. آن کسی که دارد این واژه را این طرف و آنطرف پرتاب میکند راستش به جامعه و تاریخ و زمانه ما نامربوط است و خود خبر ندارد. کسی است که افق و آمل و آرزوهایش را از ارتجاع و قرون قبل، از اسلام و شرق و بربریت و قبیله گرای میگیرد ولی زندگی درد آور و پر تناقض و گاه مسخره اش را در قرن بیست و یک ادامه میدهد. جوک تلخ تاریخ است. کسی که سابقه اجتماعی تاریخی اش به لوطی ها و جاهل های چند دهه پیش برمیگردد و حالا هم به هم ردیف های "عاقل" و تحصیل کرده و "آموزی" همان جاهل ها، به آخوند ها و بچه آخوندها، بازاری ها، دکتر مهندس های شیفته فرهنگ وحشی و پوسیده ملی اسلامی، نویسندگان زبردست و گراقتداری که ایرانی را ایرانی کرد، تمام طرفداران با مطالعه بوی گند خزینه و "فرهنگ خودمان"، تعلق دارد. واژه ژنگولو به اعتقاد من دارد عمق نفرت ناسیونالیسم جهان سومی و کلا طبقات روبه زوال جامعه ایران را از جامعه مدرن منعکس میکند. باید این نکات را در فرصتی حتی به تفصیل صحبت کرد و در امثال واژه ژنگولو دقیق شد تا این چرک های قرون و اعصار را با ادیبانشان از چهره جامعه پاک کرد. باید کوشش کرد که اینگونه واژه ها و مصرف کنندگان و تصدیق کنندگانش به جای اصلی شان دقت علمی و سیاسی ندارد و جوهر واقعیت بیرونی را که قرار است توضیح دهد، نمایندگی نمی کند. بلکه مهمتر، دارد حقایق تلخی را در مورد گویندگان این واژه در جامعه ایران بیان میدارد. اگر ژنگولو بعنوان یک مفهوم هنوز جایی دارد، بخاطر بقاء افشار و نیروها و

تعیین تکلیف کرد.

## از آش نذری به باتلاق!

### یادداشتی بر نامه سرگشاده نبوی به خاتمی

#### نرسی یگانه

(توضیح: این هفته ابراهیم نبوی طی نامه ای سرگشاده به خاتمی از او خواست دستکم در مورد دستگیری سینا مطلبی و دیگران "عصیانیت" نشان بدهد. او همچنان با تعریف کردن های چرب و حال بهم زن خاتمی را می ستاید و مشکل دارد که از او دل بکند. او هنوز از این امامزاده طلب معجزه دارد. دوست عزیزمان نرسی از ایران یادداشتی بر نامه او نوشته است:)

ابراهیم نبوی از اول بعنوان یک طنز پرداز سیاسی دوم خردادی شروع کرد و در دورانی که آش نذری دوخرداد را هم میزدند، با اقبال مواجه شد. من هم مانند دیگران از خواندن نیش و

کنایه های او لذت می بردم و میخندیدم. اما ورق برگشت و بکیر و بیندها شروع شد و ابراهیم طنز پرداز ماهیت خود را نشان داد. او در عریضه اش به خاتمی اعتراف میکند که آدم این وقتی است و فقط میخواست موقعیت خود را حفظ کند. او حتی به اندازه رفقای دیگر مطبوعاتی دوم خردادی اش جرات نداشت پای "تمیذه اش بایستد و علط کردم نامه نوشت و ورشکستگی اصلاحات را عیان کرد. از آنجا که آش دوم خرداد ته گرفته بود ابراهیم نبوی طنز روزنامه جامعه و توس، در جام جم لاریجانی مشغول بکار شد و مجبور شد "داری مصححت نظام" را خودش نیز سر بکشد. حالا که فشار شدید شده و از دست گرگهای قوه قضاییه امنیت



# به اتاق ما خوش آمدید!



## گفتگو با امید حدابخشی

عضو بشود این امکان را دارد که مثلاً ناظر باشد؟

**امید حدابخشی:** هر کاربر اینترنتی که به اتاق وارد شود، با یک کلیک در قسمت Join در بحثها و گفتگوهای این اتاق از طریق ایمیل خود شریک میشود و افراد غیر عضو هم این امکان را دارند که با مراجعه مستقیم به آدرس اتاق در جریان نامه های ارسالی بین افراد گروه باشند.

**جوانان کمونیست:** اتاق کی باز شده و استقبال از آن چطور است؟

**امید حدابخشی:** این اتاق از ماه ژانویه ۲۰۰۳ باز شده است و همینجا جا دارد از دوستی که در ایران زحمت بازکردن این اتاق را کشیده است تشکر کنم. تا الان هم تعداد زیادی از جوانان از این اتاق استفاده میکنند که به نظر میرسد استقبال خوبی شده است و تازه

این ابتدای کار ماست.

**جوانان کمونیست:** چه تسهیلات اینترنتی در این اتاق برای اعضا موجود است؟

**امید حدابخشی:** در این اتاق امکان چت گفتاری و نوشتاری وجود دارد و حتی میتوانیم جلسات و میتینگهایی را با دوستان داشته باشیم و خود اعضا میتوانند در آنجا با هم جلسه آشنایی و یا بحث و گفتگو داشته باشند. در قسمت فایل ها میتوان مطالب زیادی را خواند. از برنامه یک دنیای بهتر تا نقد سوسیالیستی به تجربه شوروی و آتا مارکس و انگلس و لنین و مقالات گوناگون در باره جنگ آمریکا بر علیه عراق و... میتوان در آنجا یافت. در قسمت عکسها، طرحهای جالبی در باره مسائل مختلف وجود دارد و همینطور لینک های ما به بهترین سایت های خبری و سیاسی راه دارد.

**جوانان کمونیست:** چه بحثهایی در اتاق در میگیرد؟

**امید حدابخشی:** بحثهای بسیار متنوعی در این اتاق تاکنون جریان داشته است. از بحث در باره جنگ تا فعالیت کمونیستی در دانشگاهها و از

ازدواج های اجباری و دیگر مسائل و مشکلات جوانان در ایران تا مباحث سوسیالیستی.

**جوانان کمونیست:** برنامه تان برای گسترش اتاق چیست؟ تصویرتان از ۶ ماه تا یک سال آینده چیست؟

**امید حدابخشی:** ما تلاش میکنیم تا آدرس این اتاق را برای دیگران بفروشیم و دعوت کنیم که به ما بپیوندند. همینجا هم از همه دوستان و علاقه مندان میخواهم که زحمت بکشند این اتاق را به همه معرفی کنند. برای آدرسهایی که دارند میل بزنند و اتاق جوانان کمونیست را در اختیار آنها بگذارند. من شخصا آینده خیلی خوبی را برای این اتاق پیش بینی میکنم. بی شک اگر بهترین ناشییم جزء بهترین ها هستیم و تصویری که از آینده داریم این است که بسیاری از جوانان علاقه مند به مسائل سیاسی و اجتماعی را در جمع خود و در این اتاق بیاییم.

**جوانان کمونیست:** از لحاظ امنیتی چه کدها و ملاحظات دارید؟

**امید حدابخشی:** از لحاظ امنیتی در این اتاق به هیچ عنوان آدرس، نشانه واسم و مشخصات افراد و اطلاعات شخصی از اشخاص رد و بدل نمیشود.

خوشبختانه جوانان ایرانی از این نظر بسیار کارآزموده و جاافتاده هستند و خوب میدانند چطور سر نیروهای انتظامی و پاسدار و بسیجی و مامور امر و به معروف و نهی از منکر و وزارت اطلاعات را شیر بهمالند.

**جوانان کمونیست:** در رابطه با اتاق، نشریه جوانان کمونیست چه میتواند انجام دهد و چه انتظاراتی دارید؟

**امید حدابخشی:** ابتدا بگویم که هر هفته در این اتاق راجع به مطالب نشریه بحث میشود و دوستان زیادی نظرات خود را ابراز میدارند. نشریه هم به این مسائل توجه دارد و گاهی در نشریه به آنها میپردازد. نشریه جوانان کمونیست میتواند در معرفی این اتاق به دیگران نقش مهمی داشته باشد. من فکر میکنم خوب است که در نشریه جوانان کمونیست ستونی به نام اتاق جوانان کمونیست در یاهو داشته باشیم که هر هفته بخشی از بحثهای جوانان را در نشریه منعکس کند.

**جوانان کمونیست:** ضمن تشکر، برای شما و برای اتاق جوانان کمونیست آرزوی موفقیت بیشتر داریم. ما کوشش خواهیم کرد مهمترین مسائل در اتاق را در نشریه منعکس کنیم.

## آدرس اتاق جوانان کمونیست در یاهو:

<http://groups.yahoo.com/group/javananKomonist/>

## این از حکومت، این از خانواده

### از بحث های اتاق جوانان کمونیست

کردیم. ادبیات این سازمان و حزب کمونیست کارگری مملو از بحث در این رابطه است. من فکر میکنم باید مبنای رابطه انسانها (چه جنس مخالف و چه غیر مخالف) را انسانیت و برابری گذاشت. باید با آراء و افکار پوسیده اسلامی که از طرف رژیم هم تبدیل به قانون و آموزش شده درافتاد. حتما نظرتون را در باره بگید.

**لیلا:**

بهرام جان... به نظر من این فرهنگ اسلامی از بین رفته و داره زورهای آخرش را میزنند. پدر مادری فردای دنیا ما جوانان امروز هستیم که به هیچ وجهی حاضر نیستیم فرزندمان را به این صورت پرورش بدهیم. بجای فرهنگ اسلامی انسانیت را به آنها می آموزیم و آزاد بزرگشان میکنیم. یک انسانیکه معتقد به آزادی باشد و هدف اصلی آن مبارزه میکند و نه تنها پدر و مادر ها بلکه دولت هم میتواند جلوی آنرا بگیرد. به نظر من امروز موقعیت جوانان بهتر از زمان مادر من است. مادر من با اینکه در خانواده کمونیست بزرگ شده باید برای تمام آزادیهایی که انسان آزاد دارد مبارزه کند و مسلما امروز من راحتتر زندگی میکنم چون مادرم مبارزه کرده. پس وظیفه هم من این است که تمام جوانان را کمک کنم تا به این آزادی برسند.

**فریاد فریاد:**

تازگی پدر مادرا هم دیگه پیشرفته شدن. میکن قبلآ آدم را وادار میکردن که با کسی که خودشون میخوان ازدواج کنیم، حالا وادار میکنن که حتما باید ازدواج کنیم. بابا کی میتونه از پس خرجش بر بیاد؟؟؟

**لیلا ۱:** نمی دونم این درد ازدواج دیگه کوم صیغه ای است و از کجا اومده، ولی پیغامی دارم برای جوانان که تا میتوانند مقاومت و مبارزه کنند. حالا بر عکس اطرافیان من میگن نکنه ازدواج کنی، آزاد زندگی کن. چشممممممم. **بهرام:** این یکی از مشکلات واقعی و جدی جوانان در ایران. بقولی میان آگه دختر باشی که بدتر! این حتما ریشه در فرهنگ کثیف اسلامی داره. باید با این فرهنگ در افتاد. سوال من اینه که به نظر شما از کجا باید شروع کرد؟ البته ما کار و در سازمان جوانان شروع

**سیما:**

در زندگی، انسانهای بیشماری زیر فشار دست و پای سنت ها و فرهنگ های مختلف خرد میشن و با اینکه زنده هستند ولی در حقیقت نابود شده ان. خیلی ها میگن مبارزه کنید. ولی سوال اینجاست که یک نفر با پدر و مادر خودش چطور مبارزه کند؟ خواهشا در این مورد هم بگین لطفا. فقط گفتن مهم نیست، راه حل چیست؟ با پدر و مادری که ما رو برای ازدواج یا تعیین رشته تحصیلی تحت فشار گذاشته چطور باید برخورد کرد؟؟؟

**لیلا:**

سیما جان این من بودم که از مبارزه نوشته بودم. راستش من خودم هیچ از این مشکلات را نداشتم و شاید برای همین گفتنش برام راحت است. در حقیقت این مادرم بود که به من قدرت مبارزه در جامعه را میداد و پشتم قر بود و مادرم کمکی بود که با این فرهنگ و سنت قرون وسطایی آشنایی پیدا نکنم. سیما جان شاید شما راست میگی، مبارزه با مادر و پدر سخت تر از (مبارزه) با دولت باشد ولی من خیلی ها را میشناسم که مبارزه کردن و میکنند من نمی دونم که شما از کجا چت میکنید، ولی مسلما اگر در ایران باشید مبارزه سخت تر است. ولی در اروپا راحت تر است. من دوستان زیادی داشتم که از خانه فرار کردن. میگم البته در اینجا راحت است بد از مدتی خانواده مجبور به قبول آنها شدن. خیلی سخته، گفتنش آسانه، میدونم، آزادی برسند.

مادر من هم مبارزه کرده عزیز اینقدر کتک خورده که نمی دونی. تازه به مرگ هم تهدید شده ولی آخرش آزادی که خواسته به دست آورده. ولی در جامعه قبولش نکردن. این خودش یک بحث مفصلی است. من به نظرم اگر اتاق باز بشه در پالتاک و جوانان از تجربیاتشون و نظراتشون صحبت کنند خیلی خوب میشود. شاید آگه جوانان فکراتشون را کنار هم بگذارند راه حلی خوبی دستشان بیاد. خسته شدم فعلا. بای.

خاطر فشار حرف اینو اون نباید تسلیم این فرهنگ کثیف اسلامی که رابطه جنسی انسانها رو که یک امر طبیعی هست رو به ازدواج اجباری تبدیل کرده تن بدن و باید با تمام وجود مبارزه در پیش گرفت. به صورت مبارزه فرهنگی و مبارزه متشکل از طریق سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری بر علیه جمهوری اسلامی. چرا که تا زمانی که زمانی که این دایناسورهای اسلامی روی کار هستند این آزادیها محقق نمی شه. به امید پیروزی!

## اول مه ای کوچک ولی پرشور! گزارش از ترکیه

خواندند. بعد یک دقیقه سکوت به یاد منصور حکمت و همه جانبختگان راه سوسیالیسم و آزادی اعلام شد و بعد پیام های سازمان جوانان و حزب خواننده شد. شعر "زند باد کمیته کمونیستی کارخانه" از منصور حکمت قرائت شد. در باره روز کارگر سخنرانی شد. در باره جنگ آمریکا علیه عراق و اوضاع عراق صحبت شد. میز کتاب بر پا بود و به صندوق سازمان جوانان کمک مالی شد و در پایان هم رقص و شادی جریان داشت. بقول بابک در این مراسم "پنیرایی از مهمانان به نحو احسن انجام شد". این مراسم به همت دوستان زیادی و ویژه کاوه صلری، محمد محمندی و مهدی حسینی برگزار شد.

رقعای سازمان جوانان کمونیست در ترکیه بهرمار برخی فعالین حزب و همینطور فدراسیون حدود ۵۰ پناهجوی ایرانی در ترکیه اول ماه مه را جشن گرفتند. این جشن به ناگزیر می بایست پنهان از چشم پلیس هار و فاسد و ترکیه برگزار میشد. بابک شدیدی (نماننده فدراسیون در آنکارا) در گزارش خود به این نکته اشاره کرده است: "خاطر نشان کنم که به خاطر مشکلات فراوان و امنیتی در آنکارا سالن به اسم مراسم عروسی اجاره شده بود و دو نفر از رقبا به عنوان عروس و داماد در مراسم شرکت داشتند!!" مراسم با سرود انترناسیونال آغاز شد. (تعدادی از حضار آنرا

## از خدا تا یعقوب لیث رضا پهلوی و اول مه



کازم نیکخواه

گرفته تا دلاورپه و جوانمردیهایی رویگری چون یعقوب لیث، آکنده از آزاد فکری و فداکاری های کارگر ایرانی است. جالب نیست؟ یعقوب لیث هم کارگر بوده، کاره هم کارگر بوده، ...خدا هم کارگر بوده شاه هم کارگر بوده. اصلا روز کارگر یک روز خالص ایرانی است! اینکه کسی بیاید با درد سر و پشتک وارو یک روز کارگری بین

مدتی پیش یکی از طرفداران سلطنت مقاله ای نوشته بود با عنوان "شاهان پهلوی چپگرایی واقعی" و گفته بود شاه از کمونیستها چپ تر بود. کل آن بحث به یک شوخی میمانست اما نویسنده قصد شوخی نداشت و تا آخر هم کوتاه نیامد! اما گویا در این دور و زمانه از این نوع طنزها و خودرا با قامت چپ اندازه گرفتن حداقل در میان این طیف مد شده است. اخیرا پیام آقای رضا پهلوی بمناسبت روز کارگر را دیدم. ایشان البته با زیرکی و "سیاستمداری" اسمی از اول مه نبرده اند. بلکه روز کارگر را "۱۱ اردیبهشت" خوانده اند که قابل فهم است. اما جالبترین تکه آنجاست که کاره آهنگر و یعقوب لیث را به روز کارگر وصل کرده اند و نوشته اند: "صفحات تاریخ ایران ما، از اسطوره افتخار برانگیز و پرشور کاره آهنگر

المللی را که به سنت کارگری و سوسیالیستی قرن نوزده و بیست وصل است، به شاهان و امیران هزار سال پیش و به ناسیونالیسم ایرانی وصل کند، به آلباژ بالایی از پرویی نیاز دارد و مقادیری وقاحت و دنده ای پهن که نشخوند همه مخاطبین را تحمل کند. قصم توهین به آقای رضا پهلوی نیست اما براستی شما بگویید چنانند یک عالمه آشغال ناسیونالیستی در بطن پیامی به مناسبت روز بین المللی کارگر با چه ابزار دیگری امکان پذیر است؟ ایشان در دل یک پیام نیم صفحه ای به مناسبت روز کارگر نه فقط یعقوب لیث و کاره را به عنوان کارگر قالب کرده اند بلکه اعتصاب کارگران را هم به نافرمانی مدنی کنایی وصل کرده اند، "جامعه عرفی" شان را هم تبلیغ کرده اند که معنایش جامعه ای است که نه زیادی سکولار باشد، نه دموکراتیک باشد و نه مردم در حق و حقوقشان زیاده خواهی کنند. سوال اینست که آن دلایل و انگیزه هایی که ایشان را به این مقصده

و مضحکه می اننازد چیست؟ نمیشد اصلا دور این روز را ایشان خط بکشند و بگذارند کارگران بروند کار خودشان را بکنند و مثلا پیام "علیحضرت" را به مناسبتی دیگر مثلا بمناسبت سالروز انقلاب سفید یا کشف حجاب یا تاجگذاری رضا شاه یا اصلا قیام یعقوب لیث یا ابومسلم خراسانی بشنوند؟ پاسخ به این سوال ما را به مشکل اصلی آقای رضا پهلوی و کل طیف راست پروغرب میرساند. ایشان در موقعیتی نیستند که بتوانند کارگر و روز کارگر را نادیده بگیرند یا مثل خمینی خط بزنند. همان تجربه خمینی که روز کارگر را میخواست خط بزند و بعد به غلط کردم افتاد و در قانون کارش هم از آن اسم برد، برای هرکس که چشم به قدرت در ایران دارد کافی است که نشان دهد با این بازیها نمیشود یک طبقه اجتماعی قدرتمند را که چرخهای اقتصادی را در دست دارد دور زد. کارگر در ایران وزن بالایی دارد و اول مه به یک سنت مستحکم مبارزاتی در جنبش کارگری ایران تبدیل شده است. اول مه را کارگران به جانوران

## روز کارگر، سایت کارگران گفتگو با شهلا دانشفر

**جوانان کمونیست** شما اخیرا سایتی به نام کارگران راه انداخته اید، فکر میکنم این هفته مناسب به جایی باشد که شما خوانندگان ما را با "سایت کارگران" آشنا کنید.

**شهلا دانشفر:** سایت کارگران همانطور که از اسمش پیداست سایت کارگران است. تمام مسایلی که مستقیما به کارگران مربوط میشود در این سایت جا میگیرد. طبعاً همه مسایل سیاسی و اجتماعی به کارگران مربوط است. اما این سایت میخواهد به آنچه جنبش کارگری میگوید بپردازد. خواستهای کارگران، اعتراضات و اعتصابات کارگران، شرایط کار، سازمانیابی، پیوندها و اعلام همبستگیهای کارگری و هزاران مساله دیگر در این زمینه. همه اینها در نشریات مختلف حزب کمونیست کارگری که من یکی از فعالین آن هستم کم و بیش وجود دارد. اما احساس میکردم نشریه ای که اختصاصاً به مسایل کارگری بپردازد جایش خالیست. تلاش من اینست که بتدریج این جای خالی را پر کنم. اینکه چقدر موفق شوم بستگی به همکاری علاقمندان با این سایت دارد. چون کار من به تنهایی نیست. تا همینجا هم رفقای مختلفی صمیمانه به این سایت کمک کرده اند. طبعاً من یک کمونیست هستم و این سایت نیز از همین زاویه یعنی از زاویه یک کارگر کمونیست به مسائل جنبش کارگری نگاه میکند و میکوشد به آن پاسخ دهد. به این اعتبار این سایت یک سایت بیطرف نیست، بلکه یک سایت چپ و کمونیستی است.

هم اکنون بسیاری از مسائل مربوط

بویژه دانشجویان کمونیست نقش مهمی در قبال اعتراضات و مبارزات کارگری میتوانند داشته باشند. این بخش از جامعه بنا به موقعیت اجتماعی شان در مرکز سوخت و ساز فکری جامعه قرار دارند و بیشترین دسترسی را به کتاب، روزنامه ها، اخبار و اینترنت دارند. بخشی از جامعه هستند که با فراغت و با ذهنی باز و پویا مسائل را دنبال میکنند و همه چیز را زیر نظر دارند. بنابراین میتوان تصور کرد که محافل جوانان و دانشجویان کمونیست میتوانند بستر انتقال اخبار، مباحث و بسیاری مسائل به محافل کارگران کمونیست که معمولاً دسترسی محدود تر و دشوارتری به اینترنت و خبرگیری دارند، باشند. از جمله جوانان و دانشجویان کمونیست به نشریات و ادبیات مارکسیستی و حزب ما و به نوشته های منصور حکمت دسترسی راحت تر و سریعتری میتوانند داشته باشند و میتوانند در انتقال این نوشته ها به محافل و محیط های کارگری نقش مهمی داشته باشند و این ادبیات را بصورت جزوات چاپ شده و پرینت شده به دست کارگران و به محیط های کارگری برسانند. همچنین محافل جوانان و دانشجویان کمونیست همانطور که گفتم بنیاد امکان دسترسی سریعتر به اخبار و سایتیهای خبری میتوانند کانیالی برای انتقال اخبار مبارزاتی کارگران که در اینجا و آنجا جریان دارد به بقیه مردم و همینطور سایر به محافل کارگران و به محیط های کارگری باشند. این کار در شرایط امروز اهمیت حیاتی دارد. انجام این کار به برقراری ارتباط بین بخش های مختلف کارگران و جلب همبستگی کارگران از مبارزات بخش های مختلف کارگری و مبارزاتی که در جامعه میگردد و نیز انتقال تجربیات مربوط به این مبارزات کمک میکند. بنابراین اگر بخوایم صحبتیم را خلاصه کنیم انجام این دو کار یعنی

## فراخوان معلمان به اعتصاب

حق تشکل و آزادی بیان، رفع تبعیض، ایجاد امکانات رفاهی برای بازنشستگان، بیمه درمانی مناسب، تسهیلات مسکن، امنیت شغلی، حق ایاب و ذهاب، اصلاح ساعت کار معلمان ابتدایی و رفع تبعیض در برخورداری از امکانات آموزشی برای دانش آموزان و بعضی خواستهای دیگر هستند. ما همه مردم بویژه جوانان، دانشجویان و دانش آموزان را به حمایت فعال از معلمان فرامیخوانیم. پیروزی معلمان پیروزی همه ماست!

معلمان تهران و شهرهای دیگر با گرد آمدن در ادارات آموزش و پرورش در روز سوم اردیبهشت ماه، با صدور بیانیه ای بر خواستهای خود پافشاری کردند و بر ادامه مبارزه برای تحقق این خواستها تاکید نمودند. با توجه به اینکه به خواستهای معلمان پاسخ روشنی داده نشده است، معلمان ۱۳ اردیبهشت (شنبه فردا) را بعنوان روز اعتصاب و توقف تدریس اعلام کرده اند. معلمان خواهان افزایش حقوق،

رساندن ادبیات مارکسیستی و نوشته های منصور حکمت به محافل کارگران کمونیست و انتقال اخبار مبارزات کارگری و اخبار مبارزاتی مردم به میان کارگران از جمله مهمترین وظایفی است که در این دوره از محافل جوانان و دانشجویان کمونیست در قبال مبارزات و اعتراضات کارگری میتوان انتظار داشت. این را هم بگویم که ما هم اکنون بطور طبیعی شاهد این سوخت و ساز هستیم و این کارها که میگویم دارد صورت میگیرد، اما تاکید بر اهمیت سیاسی این کارها در شرایط سیاسی کنونی افق روشنتری از نحوه کار و فعالیت در مقابل جوانان و دانشجویان کمونیست قرار میدهد و شکل نقشه مندتری به فعالیت آنها خواهد داد.

**جوانان کمونیست:** انتظار شما از خوانندگان ما چیست؟

**شهلا دانشفر:** بدلالی که در بالا اشاره کردم و نیز اهمیت انتقال اخبار و تجربیات کارگری به بخش های مختلف کارگری سایت کارگران ظرف مناسبی است برای کمک و همکاری جوانان و دانشجویان کمونیست با این عرصه از کار. اولین و فوریتتری انتظار من ارسال

سایت کارگران

www.kargaran.org

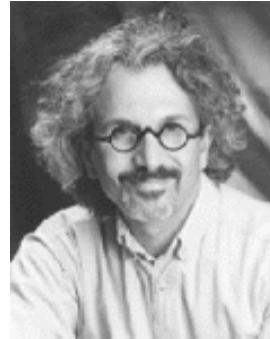
سرمدییر: شهلا دانشفر

shahla\_daneshfar@yahoo.com

تلفن: ۹۶۸ ۹۸ ۹۸ ۷۷۷-۰۰۴۴

## انقلاب ایدئولوژیک دیگر؟! باز هم در باره مجاهد

### گفتگو با علی جوادی



**جوانان کمونیست:** مقاله نیویورک تایمز در سه شنبه این هفته، پیش بینی ها مصاحبه هفته قبل (ج.ک. ۸۷) با شما را تایید میکند. خطوط اصلی توافق آمریکا و مجاهدین که در این مقاله افشاء شده است، چیست؟

**علی جوادی:** متأسفانه همینطور است! میگویم متأسفانه به این علت که مجاهدین خلق در دوران پایانی عمر سیاسی خود دچار سرنوشت تلخ و دردناکی شدند. مسائل و اطلاعاتی که در این مقاله مطرح شده تاییدی بود بر تحلیلی که در گفتگوی قبلی داشتیم. اما در مورد این توافقنامه: روزنامه نیویورک تایمز در سه شنبه ۲۹ آوریل مطلبی در مورد توافق «ب» آتش بس نیروهای آمریکا و سازمان مجاهدین خلق در عراق منتشر کرد. این قرار داد سه شنبه ۱۵ آوریل امضاء شده است اما تا ۲۹ آوریل رسماً توسط فرماندهی نظامی آمریکا در قطر اعلام نشد. بر طبق این قرارداد آمریکا توافق میکند که صدمه دیگری به خودروها، لوازم و متعلقات این سازمان در کمپهای مجاهدین وارد نکند و تهاجم دیگری به نیروهای این سازمان نکند. در مقابل به مجاهدین خلق اجازه داده میشود که سلاحهای خود را در حال حاضر نگاهدارند. مجاهدین متعهد میشوند از هر گونه اقدامی علیه نیروهای آمریکا خودداری کنند و به هیچیک از اماکن خصوصی و دولتی در عراق لطمه‌ای وارد نکنند. یکی از مقامات عالی نظامی آمریکا اعلام کرده است که انتظار دارد که این توافقنامه با معاهداتی که منجر به تسلیم رسمی این گروه خواهد شد، دنبال شود و مجاهدین خلق نهایتاً باید سلاحهای خود را تحویل دهند.

**جوانان کمونیست:** نیویورک تایمز و سایر مفسرین غربی این توافق را چطور تفسیر میکنند؟

**علی جوادی:** از یک طرف "منفعت" و از طرف دیگر "تناقضات" سیاست آمریکا در قبال "تروریسم" و اوضاع پیچیده حاضر در عراق را لیست میکنند. یک انگیزه "برای این اقدام و اجازه به مجاهدین برای حفظ برخی از سلاحهای خود را حفظ بالانس میان این گروه و نیروهای "سپاه بدر" میدانند. میگویند: "اگر مجاهدین را خلق سلاح میکردیم، نیروهای آمریکایی می‌بایست مسئولیت جلاکردن درگیریهای بین این دو گروه کاملاً مسلح و متخاصم را بعهده گیرند." عبارتی دیگر می‌خواهند مجاهد وظیفه مقابله با سپاه بدر را عهده دار شود. ارزیابی مفسر نیویورک تایمز این

تلاش کرد که برگ تاییدیه رهبری اپوزیسیون جمهوری اسلامی را از آمریکا و غرب دریافت کند. تمام استراتژی مجاهد برای کسب قدرت به این اعتبار نامه" گره خورده بود. تمام امید و انتظارات بود. در زمان خودش شکست خوردند. مورد حمایت و تایید غرب واقع نشدند. برعکس در یک چراغ سبز به رژیم اسلامی در لیست نیروهای "تروریست" قرار داده شدند. مجاهد امروز دیر به بارگاه آمریکا رسیده است. آیا تجربه نیکاراگوئه و افغانستان نشان نمیدهد که آمریکا کاربرد دیگری به غیر از اعمال فشار و بند و بست و سرانجام قربانی کردن این نیروهای "مسلح" مرزی در دستور ندارد؟ متأسفانه ارزش مصرف مجاهد در چهارچوب سیاستهای آمریکا حداکثر مانند جایگاه یکی از ابزارهای شکارچی است. ابزار شکار نمیتوانند طعمه شکار شده را خود صرف کنند!

**جوانان کمونیست:** مجاهد سرنوشت خود را به صدام گره زده بود، آیا حالا سرنوشت او به موقعیت نامعلوم آمریکا در عراق گره خورده است؟

**علی جوادی:** مجاهد سرنوشت خود را به صدام و شکافهای ارتجاع منطقه گره زد و باخت. اما موقعیت آتی آمریکا در عراق هر چه باشد، معلوم یا نا معلوم و تیره و تار، چرخشی در سیاست "ضد تروریسم" خود نمیدانند. میگویند: "این یک آتش بس است. معنایش هم همین است. یک مقام نظامی آمریکا گفته است: این گروه میتواند اطلاعات امنیتی مبنی بر فعالیت دولت ایران در عراق و ایران در اختیار ما قرار دهد." این مختصات سرنوشت پایانی مجاهد است! پرونده مجاهد دیگر بسته شده است.

**جوانان کمونیست:** به نظر شما تحلیل ها و ارزیابی های مذکور درست است؟

**علی جوادی:** اهداف و انتظارات خود را از مجاهدین مطرح میکنند. مجاهدین با انجام این تعهدات از این پس باید در بسته بندی دیگری ظاهر شوند. مجاهد نیازمند یک "انقلاب ایدئولوژیک" دیگر است. محتاج یک نمایش خود فریبی عظیم است. باید در انتظار یک بالماسکه جدید از جانب مجاهد بود. اما مجاهد منطقاً میتوانست به چنین خفت و خواری تن ندهد. من بارها گفته بودم، مجاهد میبایست از یک فرقه و کیش مذهبی به یک سازمان سیاسی تبدیل شود. سرمایه انسانی‌اش را از عراق خارج کند. تبدیل به یک سازمان سیاسی بی ضرر بحال مردم شود. رو در روی تلاش مردم برای خوشبختی و آزادی قرار نگیرد. اکنون روشن شده است که این توقعات زیادی از مجاهد بود.

**جوانان کمونیست:** مجاهد همواره تلاش کرده که به غرب و مشخصاً آمریکا نزدیک شود، میشود گفت که به آرزویش نزدیکتر شده است؟

**علی جوادی:** این نوش دارو پس از مرگ سهراب است! مجاهد سالها تلاش کرد که برگ تاییدیه رهبری اپوزیسیون جمهوری اسلامی را از آمریکا و غرب دریافت کند. تمام استراتژی مجاهد برای کسب قدرت به این اعتبار نامه" گره خورده بود. تمام امید و انتظارات بود. در زمان خودش شکست خوردند. مورد حمایت و تایید غرب واقع نشدند. برعکس در یک چراغ سبز به رژیم اسلامی در لیست نیروهای "تروریست" قرار داده شدند. مجاهد امروز دیر به بارگاه آمریکا رسیده است. آیا تجربه نیکاراگوئه و افغانستان نشان نمیدهد که آمریکا کاربرد دیگری به غیر از اعمال فشار و بند و بست و سرانجام قربانی کردن این نیروهای "مسلح" مرزی در دستور ندارد؟ متأسفانه ارزش مصرف مجاهد در چهارچوب سیاستهای آمریکا حداکثر مانند جایگاه یکی از ابزارهای شکارچی است. ابزار شکار نمیتوانند طعمه شکار شده را خود صرف کنند!

**جوانان کمونیست:** به نظر می‌رسد

آمریکا و اروپا در مورد نحوه برخورد با جمهوری اسلامی ایران و به این اعتبار مجاهدین خلق توافق نداشته باشند. حتی بین انگلیس و آمریکا تفاوت‌هایی مشاهده میشود، این چه تاثیری دارد؟

**علی جوادی:** بنظر می‌رسد دولت انگلیس بمثابة دلال میان آمریکا و رژیم اسلامی قولهای بیشتری از طرف مقامات آمریکایی مبنی بر بمباران و نابودی مجاهدین به رژیم اسلامی داده بود. بهرحال محتوای دیپلماسی سری میان این دولتهای ارتجاعی هر چه باشد واقعیت سیاست و تحرک گسترده ارتجاع اسلامیست در عراق این توافقات آشکار و پنهان را بر هم زد. حملات ضد انسانی آمریکا به کمپهای مجاهد به هدف نابودی نظامی این جریان نبود. کاتالیزوری برای تسریع سوخت و ساز مجاهد و تغییر شکل و لباس و آمادگی خدمت در دوران جدید بود.

**جوانان کمونیست:** سلطنت طلبان و کلا جریانان ناسیونالیست پرورغرب در رابطه با تحولات مورد بحث چه میگویند؟

**علی جوادی:** این جریانات خواهان نابودی فیزیکی مجاهد بودند. این سیاست قلبی اما اعلام نشده این جریانات است. یک سیاست کاملاً ضد انسانی و ارتجاعی. امروز شاکلایند که چرا آمریکا با یک نیروی "تروریست" توافقنامه امضا کرده است. این طیف بارگاه دولت آمریکا را بطور انحصاری برای خود می‌خواهد.

**جوانان کمونیست:** بله اینها کلید دار سنتی رابطه با غرب و آمریکا بوده اند و در جریان جنگ آمریکا در عراق هم تماماً مسالمت جویی ریاکارانه شان را کنار گذاشتند و به دفاع از جنگ برخاستند، آیا مجاهد رقیبی برای اینهاست؟

**علی جوادی:** برگ حمایت غرب به این جریانات تعلق دارد و نه مجاهد. طبیعی هم هست. مجاهد بیهوده تلاش میکرد. اینها ما به ازاء ایرانی بوش و بلر در اپوزیسیون ایران هستند. در رقابت با مجاهدند. مجاهد رئیس جمهور در تبعید خود گمارده دارد. اینها شاه خود گمارده دارند. مجاهد به دنبال جلب حمایت دول غربی است، اینها هم زندگی و رگ حیاتشان به حمایت غرب متصل است. مجاهد با پرچم سه رنگ و شیر و خورشید به میدان می‌رود، اینها هم پرچم تمام هویتشان است. انضباط سازمانی و سکناریسم مجاهد این جریان را نگران و مضطرب میکند.

**جوانان کمونیست:** آیا فکر میکنید اگر روزی روزگاری آمریکا بخواهد سناریو سپاه عراق را برای ایران تکرار کند، مجاهد بازیگری در آن معرکه خواهد بود؟

**علی جوادی:** آمریکا الزاما به دنبال ایجاد سناریوی سپاه نیست. اما نتایج سیاست "تغییر رژیم" از ارتفاع ۳۰ هزار پایی ایجاد یک سناریوی سپاه است. آیا مجاهد بازیگر چنین سناریویی است؟ مجاهد قائم به ذات بدون دخالت آمریکا نیز تنها قادر به ایفای چنین

نقشی در تحولات آتی ایران است. مجاهد اما یک بازیگر فرعی و حاشیهای بیش نخواهد بود. مجاهد دستخوش تغییر و تحولات بساری خواهد شد. در شکل و قامت فعلی باقی نخواهد ماند. از هم اکنون تمام شده است. من تصور نمیکنم در آینده قادر به ایفای چنین نقشی باشد. چه خواهد چه نخواهد. دیگر قادر نخواهد بود.

**جوانان کمونیست:** فکر میکنید با وقایع اخیر احساس مردم چه تغییری نسبت به مجاهد بکند؟

**علی جوادی:** مجاهد ملت‌هاست که ربطی به اعتراض مردم و جنبشهای اجتماعی ندارد. نماینده اعتراض خاصی نیست. یک فرقه بزرگ است. امکانات مالی و نمایشی در خور توجهی دارد. اما وزن سیاسی و جایگاهی در میان مردم ندارد. در ظرفیت جدید مجاهد از پیش سوخته است. معمولاً فرقه‌های سیاسی در پایان عمر خود دست به اقدامات محیرالعقولی می‌زنند و پایان دهشتناکی را برای خود و اعضا سکت خلق میکنند. امیلورام چنین سرنوشت تلخی در انتظار نیروهای این سازمان نباشد. امیدوارم!

از صفحه ۲

### یادداشتی بر نامه سرگشاده خاتمی به نبوی

ندارد به جناب ارسطوی رژیم متوسل شده و گویی از بین این گله گرگ یک نفرشان اهل ادب و هنر است. نبوی به زبان ساده دارد از خاتمی مزد کله ملق زندهایش برای پروژه دوم خرداد را می‌خواهد و به بارگاه رفت و عدل او چشم دوخته است. باید گفت که او از همان روز اول سرنوشت خود را به جریان خاتمی گره زد و از صف مردم و آزادیخواهان جدا شد و حالا هم به جز خاتمی به کس دیگری نمی‌تواند امید داشته باشد. سرنوشت او سرنوشت تمام لشکر شکست خورده دوم خرداد است. برای اینکه خودش را تنها بازنده صحنه نشان نهد سینا مطلبی و دیگر همکاران هنری و مطبوعاتی را نیز در عم خود شریک میکند. یاس و سرخوردگی او تا بدانجا رسیده که برای آمریکا حض می‌کند و همصدا با جریانات دست راستی ارتش "آزادبخش" آمریکا را به حکومت های استبدادی منطقه ترجیح میدهد. فرق ما با نبوی در همین جاست. در اصلاحاتی که او به تصویر میکشد نقطه اتکای او مردم و جنبش های مردمی نیستند. بالا دستی ها هستند. اگر خاتمی نتوانست لابد آمریکا می‌تواند! نبوی اگر اوائل دچار توهم سراب اصلاحات بود حالا دیگر بناست و با پای خود دارد در باطلاق آن گام می‌گذارد.



## لینک:

دوست قهوه ای، کشف حجاب

دختره و آقاهه!

یک دختر ایرانی

<http://persiangirl.blogspot.com>

امروز بابام زنگ زده بود به یکی از این برنامه های تلویزیونیهای ایرانی که توش حرفهای سیاسی میزنند. بابام میگفت آمریکا باید جاهای حساس ایران مثل وزارت اطلاعات و وزارت .. و ... رو بزنه که مردم جرئت پیدا کنند و بیان تو خیابونها و ... لب کلومش این بود که آمریکا باید وارد ایران بشه. خیلی زورم اومد. بابام تمام برنامه یارو رو گرفت برای همین من نمیتونستم زنگ بزنم و بگم اون آقایی که قبل از من زنگ زدند چی فکر کردند؟؟ فکر کردند ایران افغانستانه؟ عراقه؟؟ فکر کردند ما خودمون عقل نداریم؟ ببخشید ایشون فکر کردن که امریکا عاشق چشم و ابوی قشنگ ایرونیه ما شده که بخواد به ملت ما کمک کنه؟؟ هیچکسی غیر از مردم یک ملت نمیتوند به ملت کمک کنند. ما اینجا چکارایم؟؟ نشستم دستور راهپیمایی میدیم که چی؟؟؟؟ اومدیم و تیر شد و مردم ریختن و بازم خیلیا زخم و زولی شدن، آخرش چی؟؟ این آقا چی فکر کرده؟ بیرون نشسته میگه گوش کن (درست گفتم؟)..... اعصابم داشت از حرفهای بابام داغون میشد. بابام میگفت امریکا حمله کنه، مردم حمایت کنند، رضا شاه بیاد، هشت سال جمهوری داشته باشه، به ایران اقتدار بده و... این چی فکر کرده؟؟؟؟ رضا شاه!!!! خدایی پدرش آدم باحالی بود ولی این یارو که اینجا نشسته چطور میخواد بعد از بیست سال برگردد ایران برا من با همه دک و یز شاهنشاهی جمهوری راه بنمازه؟؟؟؟ آه که بخوان بیشتر از این بگم دیگه خیلی خیلی خیلی عصبانی میشم و زیاد خوب نیست عصبانی شم.



## نادر بکتاش

پیام برادری از درون کمند لباس شب بود، ماه پشت ابر بود ...

(شبونشتهای یک عاشق عاقل)

<http://www.nighty.blogspot.com>

سه روز در خانه ام ماند تا دوست و هموطنش از ماموریت بازگردد... اولین باری که دیدمش، بیرون از ایستگاه قطار در سرمای زمستان با یک پیراهن مردانه چرکین و شلوار جین نشسته بود ... از کشورش سیرالئون گفت... از اوضاع سیاسی گفت. از پدرش که زندانی شده و اعدام. از مدرسه و شاگردانش گفت و از نشریه ای که در آن می نوشت. از مزرعه اش گفت و از جنگ و از فرارش. عکس همسرش را از کیف دستی کوچکش درآورد و نشانم داد. سه پسرش هم کنار زنش مشغول بازی کردن بودند... سومی را به فرزندلی پذیرفته بود... پرونده اش به کمک وکیل دوباره به جریان افتاده بود و از دولت هلند مستمرا ناچیز پناهندگی می گرفت... یک روز زنگ خانه را زدند. باز کردم، رفیق آفریقایی به آغوش پریدم. اجازه اقامتش را صادر کردند. حالا می توانست بعد از چند ماه زن و فرزندانش را به اینجا بیاورد. یک دست لباس سنتی آفریقایی که اتفاقاً اندازه من هم بود، هدیه ساموراست. هر وقت سراغ کمند لباسم می روم، لبخندی از رضایت روی لبهایم می نشیند: "من یک برادر بزرگ دارم. اهل آفریقا هست. پوست بدنش قهوه ایست و دلش روشن."

## کشف حجاب!

شیما

[www.shimablogspot.com](http://www.shimablogspot.com)

نهم: یک عده میگین برای من طوماری از فحش و بد و بیراه که فقط لایق جد و آباد دودمان و نیاکان و ایل و طایفه خودشونه مینویسن. از دوران ننگین قاجاریه تا دوران پرشکوه پهلوی در ایران مرسوم بوده که مردم هر زمان از کار کسی خوششون اومده بجای تحسین و تبریک با زبان فحش این حس رو منتقل کردن و ابراز احساسات و وجود کردن. مثلا دیدین طرف میخواد از کسی تعریف کنه میگه: پدرسگ عجب کارش درسته! یا میخوان از یه دختر تعریف کنن میگن مادر... عجب هلوپیه!! یا تشبیه به آلات و ادوات مردانه و زنانه! ممن یا شنیدن این اراجیف بیشتر ذوق میکنم و مطمئن میشم که مطالبم خوبه. پس بیشتر فحش بدین تا جون از فلاتتون دربیاد. ..

دهم: آقا جلیلا یک عده آدم زنگ طلبه شدن جمال مارو ببین! به همین مناسبت بنده عکسی از خودم بصورت تمام رخ در ویلاگ قرار میدم! البته چون من آدم با حیایی هستم عکسم هم محجبه هست و اینجا هم که جلیلا جولانگاه آخوند جماعت شده باید رو بگیرم و برای همین هم عکس من با حجاب اسلامی هست! امیلوارم حسایی از عکس من فیض ببرین و دنیا و آخرتون آباد بشه! در فیضیه معلی خودم رو بر روی همگی باز کردم... هر کسی میخواد بیاد دخیل ببندد یا مشعل روشن کنه تا بختش باز بشه یا به حاجتش برسه... اکه ببینم بازم هوس دیدن من به سرتون زد این دفعه کشف حجاب میکنم... هاهاهها



## نامه های شما بهرام مدرسی

برای ارتباط با من میتونید از آدرسهای پستی و شمارتلفنهایی که در این نشریه آمده است و یا از آدرس مایل [bahram-modarresi@web.de](mailto:bahram-modarresi@web.de) استفاده کنید.

- دوست عزیز آزاد حمیدی، لیست آدرسها به دستمان رسید. حتما این کار را ادامه دهید. ممنون  
- دوست عزیز حسین از تهران، حتما طرحها و نقاشی هایتان را برایمان ارسال کنید. از آنها استفاده خواهیم کرد. ما میخوایم آرمی برای سازمان جوانان کمونیست تهیه کنیم. اگر پیشنهادی دارید برایمان بفرستید. منتظر نامتانتان هستیم.

- دوست عزیز هنگامه از تهران، نامتانتان به دستمان رسید. نامه جداگانهای برایتان ارسال شد. بازم برایمان بنویسید.  
- دوست عزیز کمیا خوش پیام از ترکیه، پیام تبریکتان به مناسبت اول ماه شما و همه دوستان تبریک میگویم. این روز را باید هر چه بیشتر به روز اعتراض انسان متمم قرن علیه بربریت سرمایه داری تبدیل کرد. برایت آرزوی اول ماه موفقیت و دارم. بازم برایمان بنویس.

- رفقای MJ نامعایتان به دستمان رسید. این رفقا در یکی از نامعایتان به مناسبت بازگشایی دفتر حزب کمونیست کارگری عراق در بغداد و چندین شهر دیگر و سازماندهی تظاهراتهای بزرگشان در بغداد نوشتند: "نمیدانید چقدر خوشحال شدیم. دورد بر تمام رفقا، جدا مرس! به همه رفقا سلام برسانید. دست مرزاد" از طرف رفقای حزب کمونیست کارگری عراق از این دوستان تشکر میکنم. حزب کمونیست کارگری عراق تنها نیرویی است که میتواند جامعهای آزاد و برابر را برای آینده عراق سازمان دهد. این حزب در مدت کمی که دفاتر

عربی خود را در شهرهای اصلی عراق دایر کرده است مورد توجه بی نظیر مردم آزادیخواه عراق قرار گرفته است و تعداد بسیار زیادی از مردم به این حزب پیوستهاند. دولت آمریکا و تمام میبدیای نوکر صفت آن، تلاش دارند که تمام اعتراض بحق مردم عراق علیه اشغال نظامی آمریکا را به حساب نیروهای مرتجع شیعه، ناسیونالیستهای عرب معرفی کند. این واقعیت ندارد. اکثریت مردم عراق نه دولت صدام را میخواستند و نه حمله آمریکا، نه مرتجعین شیعه را میخواستند و نه مرتجعین ناسیونالیست عرب و کرد. آنها آزادی و برابری را میخواهند و درست به همین دلیل حزب کمونیست کارگری عراق مرکز توجه آنها قرار میگردد. باید از حزب کمونیست کارگری عراق حمایت کرد. باید آزا به همه شناساند و گفت که آینده آزاد و برابر در عراق در گرو تقویت این حزب است!

## طول موج جدید

## رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

## برنامه رادیویی سازمان

## جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.  
Payamgir radio:  
+46 8 659 07 55  
Tel: +44 771 461 1099  
& +46 70 765 63 62  
Fax: +44 870 129 68 58  
[radio7520@yahoo.com](mailto:radio7520@yahoo.com)  
[www.radio-international.org](http://www.radio-international.org)

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10  
0044 776 110 66 83  
0049 179 74 30 908  
0046 736 50 80 40  
001 416 688 5572  
00905552048603  
0046 70 48 68 647  
0049 174 944 02 01  
001- 416 434 15 45  
fax:001 416 434 154 5

[bahram-modarresi@web.de](mailto:bahram-modarresi@web.de)

دانمارک: شیوا فرمند  
انگلستان: سرور ملائکه  
آلمان: امید چوری  
سوئد: آزاد خدروی  
کانادا: مهدی شهابی  
ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری  
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی  
مشاور دبیر: ثریا شهابی  
آدرس پستی: JAWANAN Postfach 620 515  
10795 Berlin  
Germany

## به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر  
[mosaber@yahoo.com](mailto:mosaber@yahoo.com)  
Tel: 001 604 730 5566

[www.jawanan.org](http://www.jawanan.org)  
[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)  
[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)  
[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)  
[www.medusa2000.com](http://www.medusa2000.com)  
[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
[www.childrenfirstinternational.org](http://www.childrenfirstinternational.org)

از این سایت ها دیدن کنید: